

متن پرسش

ضمن عرض سلام خدمت استاد عزیز: چقدر خداوند را شاکرم که شما را در مسیر زندگی من قرار داد تا از طریق شما به لذت درک معارف الهی نائل گردم و در این گرداب آخرالزمانی با رهنمودها و تذکرات شما به آرامشی خاص برسم. در سیر انتخابی خودم به کتاب «ادب خیال و قلب و عقل» رسیدم آنجا که فرمودید: خیلی فرق می کند که ایده آل شما در ذهنتان فرس باشد یا گستره ی عالم معنا و ناگاه یاد شعر سهراب سپهری افتادم، من مسلمانم، قبله ام یک گل سرخ، جانمازم چشمه، مهرم نور، دشت سجاده من... لذت از این شعر دهها برابر شد، آیا واقعا ایشان این معانی را در نظر داشته بودند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه بسیار زیبا مطلب را مطرح فرمودید. یادداشتی در مورد «شعر و هنر» از این زاویه داشتیم که به جنابعالی تقدیم می‌کنم. موفق باشید

باسمه تعالی

ما و شعر اصیل و آینده

هنر و شعر راه نجات انسان دوران جدید از «بی‌جهانی» است که «بی‌جهانی» منجر به حذف هستی و نیست‌انگاری می‌شود. در حالی که انسان ذاتاً جهان‌مند است و باید جهان خود را بر اساس فهمی اصیل بازباید.

برای یافتن مضمون جهان باید به تحلیل هنر و شعر پرداخت. قدرت نجات‌دهنده‌ی انسان جدید در شعر نهفته است زیرا از این طریق مضمون کامل جهان را برای انسانی که ذاتش جهان‌مند است، بر ملا می‌کند. در نتیجه برای انسان‌ها آشکار می‌شود جهان گم‌شده‌ی آن‌ها کجا است.

۲. هنر و شعر اما به چه چیز می‌خواند؟ به هستی. اندیشیدن واقعی هم نسبتی است که انسان با هستی برقرار می‌کند به همان معنایی که انقلاب اسلامی وسیله تقرب به راز وجود شد و جهانی را در مقابل بشر امروز گشود و حجاب‌ها را از رُخ هستی کنار زد و رازهای بزرگی را بر ملا نمود. جهانی که

شاعر در مقابل ما می‌گشاید از این رو اصیل است که ما را از روزمژگی‌ها و سر به هوا بودن در می‌آورد.

۳. جهانی که شاعر و شعر در مقابل ما می‌گشاید، جهان تعصب‌ها نیست، جهان گشودگی‌ها است تا جهان، راز هستی را در گوش ما نجوا کند. هرچند به حسب ظاهر هنرمند اثر هنری را می‌آفریند، اما در واقع این اثر هنری است که هنرمند را در مقابل حقیقت قرار داد.

اراده‌ی الهی خاص این تاریخ

۴. اثر هنری به سبک مخصوص به خود به انسان‌ها امکان می‌دهد تا خود را به همان معنای حقیقی‌شان به صحنه آورند و از این رو حجاب نفس اماره را کنار بزنند و به حقیقت هستی تقرب جویند. مأوایی که طلحه و زبیر نتوانستند به آن ورود کنند.

۵. اثر هنری می‌تواند جهان حقیقی مردم این دوران را نشان دهد. نشان دهد عالم انسان‌های وارسته چه عالمی است. عمار حلب از طریق انقلاب اسلامی نشان داده شد تا مردم این دوران بتوانند خودشان، خودشان را درست مشاهده کنند، حقوق بران نجومی خود را درست مشاهده کردند. شهدای مدافع حرم نیز خود را درست مشاهده نمودند. اثر هنری همه‌ی جوانب حیات اصیل قوم را گرد می‌آورد تا معلوم کند شیوه‌ی زیستن در این دوران به گذشته برگشتن نیست، بلکه به آینده‌ای باید نظر کرد که ماوراء دنیای مدرن برای ما تقدیر شده است، آینده‌ای که برقراری رابطه با حقیقت هستی است.

۶. اثر هنری جایگاه انسان‌ها را در جهان حقیقی‌شان نشان می‌دهد تا بهترین رابطه را با یکدیگر و با محیط و با زمین برقرار کند و در حقیقت، پرده از هستی برکشند و متوجه باشند حقیقت جهان چگونه خواهد بود و چگونه رازی از رُخ حقیقت کنار می‌رود و حقیقت به شکل فوق‌العاده زیبا به ظهور می‌آید.

۷. امروز این اثر هنری و شعر است که می‌تواند وطن و مأوای ما باشد و راز تقدیر ما را بر ملا کند و نشان دهد که در این تاریخ انسان چه جایگاهی باید برای خود بیابد و چگونه بر زمین مأوا گزیند تا در نسیم هستی، گوشش قصه‌ی اُنس با حقیقت و بیرون شدن از نیهیلیسم را بشنود. گوش سپردن به حقیقت هستی معنای اندیشیدن در این تاریخ است. اندیشیدنی که به یک معنا مأواگزیدن است و اجازه می‌دهد تا هرچیز همان باشد که هست، و این یعنی اُنس با حقیقت و عبور از نیهیلیسم.